



بردگی نوین

قدرتها در نظامهای گذشته کشورهای صنعتی بر سه اهرم اساسی توان جسمی، زور و ثروت منکی بودند. در عرصه تحولات و تغییرهای بنیادین سیستمهای اقتصادی نوین، ثروت منکی بر نیروی عضلانی به ثروت منکی بر «مغز» و تکنولوژی تغییر یافت. به تبع آن رشد فزاینده و سریع در بستر دانش و تکنولوژی (سیستمهای نوری، صوتی، تصویری، ارتباطات و اطلاع رسانی) پدید آمده و قدرت مبتنی بر بهره‌کشی و بردگی جسمی (کارگران جسمی) جایگاهش را به کسب قدرت از طریق بهره‌کشی و به انحصار در آوردن تولیدات اندیشه‌آدمی (کارگران فکری) داد.

امروزه قدرت‌های سلطه جوی جهانی جوهره مثلث فربهی و استیلای خود را در دستیابی و به انحصار در آوردن تولیدات و محصولات اندیشه‌آدمی (علوم سخت افزار و نرم افزار، ارتباطات و ابزار اطلاع رسانی) می‌دانند. بر این اساس اکثر منازعات کنونی قدرتهای جهانی، بر سر کسب آگاهی از فرآورده‌ها و فناوریهای نوین مغز آدمی، کنترل و استخدام آنها با کمک تاکتیکهای متفاوت در تحریف و بی‌حس‌سازی فهم و شناخت انسانها از رخدادها و واقعیتها می‌باشد. یکی از نویسندگان آمریکایی^(۱) در یکی از کتابهای خود در این زمینه می‌گوید: «دیگر سخن گفتن از «حکومت باز»، «شهروندان مطلع» یا «حق اطلاع مردم» در حد شعار باقی مانده است. صاحبان قدرت در بخشهای مختلف از اطلاعات و داده‌ها، تصاویر و تصورات، طرز تلقیها و بینشها، ارزشها و دیگر محصولات «نمادین» جامعه، تصرف و دستکاری می‌کنند. او ادامه می‌دهد که هر داده و اطلاعات و دانشی که رد و بدل می‌شود و در اختیار افکار عمومی قرار می‌گیرد چند چیز لازم دارد:

(۱) منبع با فرستنده

۲) مجموعه‌ای از مجاری

۳) پیام

۴) پیام‌گیر

قدرتهای سلطه‌گر همواره به وسیله خدعه و فریب، از طریق تاکتیک‌های گوناگون در تمامی موارد فوق دستکاری می‌کنند. گاه با تاکتیک منبع نقابدار، پیام را ارسال و منبع اصلی آن را مخفی می‌سازند. همانطور که پیمانازان کنونی بسیاری از «گروههای سیاسی» وابسته به منابع نقابدار و یا مخفی سیاسی می‌باشند. گاهی دیگر، از تاکتیک مجرای دو گانه یا به عبارت دیگر ارسال پیامها به صورت متناقض از طریق دو مجرای متفاوت استفاده می‌کنند تا عکس العمل جامعه را در برابر آنها بیازمایند و یا میان افراد جامعه (پیامگیران) بذر نفاق و سردرگمی پاشند. در اینجا به برخی دیگر از تاکتیکها (از قول نویسنده مذکور) که واقعیتها (پیام) را ماساژ و تحریف می‌کنند اشاره می‌شود:

الف) تاکتیک حذف (Omission tactic): خارج ساختن واقعیتها و عدم انتقال و بیان آنها.

ب) تاکتیک کلی‌گویی (Generalization tactic): جزئیاتی که موجب مخالفت و نارضایتی افکار عمومی می‌شود، با لغابی از امور غیر واقعی پوشانده می‌شوند.

ج) تاکتیک زمانبندی (Timing tactic): این نوع تاکتیک معمول‌ترین راه جهت به تأخیر انداختن ارسال پیام است. زمانی که دیگر پیام‌گیر نتواند کاری بکند.

د) تاکتیک قطره چکانی (The dribble tactic): داده‌ها و اطلاعات به جای آنکه در سندی واحد انباشته شوند، در زمانهای گوناگون به مقدار کم منتقل می‌شوند. در این شیوه الگوی رخدادها تجزیه و از دید گیرنده مخفی می‌شود.

ه) تاکتیک موجی (The tidal waving tactic): ریختن مطلب بر سر گیرنده تا آنجا که نتواند واقعیتهای اساسی را دریابد.

و) تاکتیک تبخیر (Evaporation tactic): بخش‌های بی‌اساس همراه با واقعیتهای حقیقی که تشخیص حقیقت را بر پیامگیران دشوار نماید.

ز) تاکتیکهای بازگشتی (The blow back tactic): بخش‌های خبر دروغ در خارج از کشور و درج مجدد آن در مطبوعات داخل کشور.

ک) تاکتیک دروغ‌بزرگ: ساختن دروغهای بزرگ، زیرا راحت‌تر از دروغ‌های کوچک در جامعه باور می‌شوند.

ل) تاکتیک وارونه کردن (Reversal tactic): این تاکتیک در نهایت سادگی پیامها را وارونه می‌سازد. جریانات، رویدادهای واقعی و حقایق امروزه پس از گذر از جاده پر پیچ و خم تاکتیکهای سانسور، تحریف، جعل سند و منبع قبل از انتقال از سوی رسانه‌ها، جهت تطبیق‌سازی شان با شرائط رسانه‌ای پردازش مجدد می‌شوند و به شکلهای مختلف میزگردها و مصاحبه‌ها از طریق رسانه‌های رادیو تلویزیونی پخش می‌شوند و به صورت منبع در می‌آیند. (بسیاری از خبرنگاران اروپایی برنامه‌های

CNN را می‌بینند و مقاله و گزارشهای مطبوعاتی خود را می‌نویسند و بدین نحو تلویزیون از رسانه تبدیل به منبع می‌شود.) بر اساس این منابع رسانه‌ای، صاحبان قدرتهای جهانی تحلیل‌ها، ایده‌ها، افکار عمومی و برخی از تصمیم‌گیریهای مهم دولتی را مطابق با منافع خود شکل می‌دهند. حاصل آنکه حاکمیت قدرت‌های کنونی در عصر پسمادرنیسم، عناصر شناخت آدمی را هنگام تعارض با خواسته‌ها و اهداف سیطره جویانه‌شان فلج می‌نمایند و زمام کاروان اندیشه بشری



را به آن جهتی که می خواهند سوق می دهند. به گونه ای که اکثریت انسان های مدرن با ظاهری آراسته، جسمی آزاد، غوطه ور در سرگرمیها و لذت ها به سر می برند. اما غافل از داده های تزیینی و تخریدی اربابان قدرت به نوعی از بردگی نوین یعنی «بردگی فکری» دچار شده اند. آنها در عین برخورداری از بینایی، واقعیتها را نمی بینند و در عین برخورداری از شنوایی، فریادهای مظلومانه قربانیان خشونت، جنگ، تبعیض، فقر و درگیریهای نژادی و مذهبی سلطه جهانی را نمی شنوند.

در چنین شرایط بحرانی که اکثر بی عدالتیها و نابرابری ها بر سر به انحصار کشیدن آگاهی ها، کنترل و تحریف عناصر فهم و شناخت بشری است، بنیادی ترین پرسش چگونگی رهایی از این بحران خواهد بود. تردیدی نیست که یکی از عناصر مهم راه حل رهایی از بردگی نوین آگاهی از تغییر و تحولات سیستم اقتصادی و نظام توسعه نوین جهانی، آگاهی از تاکتیکهای نیرنگ آمیز قدرت های سلطه گر و همچنین آشنایی با معیارهای «خطاسنج» و موانع فهم و گسترش واقعیتها و حقیقت هاست. کتاب آسمانی انسان پرور و عدالت گستر قرآن در این زمینه به مواردی که موجب پیدایش زنگارهای فکری و مانع فهم آدمی می شوند بیان و عمل به آنها را نهی کرده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود: (۲)

الف) پرهیز از پیروی از ظن و گمان: از نگاه اسلام ظن و یا گمان را جای یقین دانستن یکی از موارد خطا و مانع شناخت واقعیت ها و حقایق می باشد. پاره ای از نا بسامانیهای فردی و اجتماعی و تصمیم گیریهای عمده برخی از سیاستمداران بزرگ کنونی در به راه انداختن جنگها و تجاوزها، بر گمان و حدس و یا جا به جایی آن با یقین بوده است (مانند جنگ آمریکا علیه عراق مبنی بر گمان آمریکا از برخورداری آن کشور از سلاح های کشتار جمعی و اثبات عدم وجود این سلاح ها پس از تلفات هزاران انسان بی گناه). خداوند متعال در قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «آنچه را که بدان آگاهی و یقین نداری عمل

نکن». (۳) همچنین در آیه دیگری می فرماید: «بعضی از ظن ها و گمان ها گناه شمرده می شوند». مسائل گمان و ظنی را تا آنجاییکه نمی توان به آنها یقین داشت باید در حد همان گمان به آنها نگاه کرد. و هیچگاه نباید گمان و حدس را به جای یقین پنداشت. خداوند متعال در آیه ای دیگر در این زمینه می فرماید: «اکثر مردم زمین چنین اند که از گمان پیروی می کنند، تو هم اگر بخواهی از آنها پیروی کنی، ترا نیز گمراه خواهند کرد چون اکثر مردم از گمان تبعیت می کنند و نه یقین و بهمین دلیل خطا می کنند» (۴).

ب) پرهیز از تقلید کورکورانه: از دید قرآن صحت و یا سقم افکار، مدرن و یا کهنه بودن اندیشه ها و نیز پسند و ذوق اکثریت جامعه نمی تواند معیارهای بنیادین درستی و یا نادرستی اندیشه ها باشند. پیروی کورکورانه از افکار گذشتگان و پسند اکثریت جامعه زمینه ساز پیدایش بتهایی نظیر بت کهن پرستی، عرفی و اجتماعی شده و موجب تسلیم و انقیاد در برابر خطاها، رکود فکر و تجر انسان می شود. خداوند متعال در این زمینه در قرآن می فرماید: «به آنها گفته می شود از دستورات الهی پیروی کنید. می گویند آیا از روشهای پدرانمان دست برداریم؟ آیا اگر پدران و مادران شما فاقد شعور بودند، شما نیز به پیروی از آنها باید فاقد شعور و فهم باشید». (۵) اسلام خرد و خردورزی را ملاک و معیار درستی و نادرستی افکار می داند و هر آنچه که مانع درک صحیح عقل انسان شود، نهی و مذمت کرده است. در آیه ای دیگر از قرآن آمده است (۶) که کسانی که تحمل شنیدن سخن را دارند و سپس آن سخنان را با رجوع به عقل مورد تحقیق و مطالعه قرار داده، کاملترین و بهترین آن را برمی گزینند، مورد بشارت، رحمت و لطف بی کران الهی قرار می گیرند.

ج) پرهیز از هواپرستی: پیروی از هوای نفس «خود پرستی» و به تبع آن «خود محوری» زمینه ساز بسیاری از بحرانیهای گذشته و کنونی بوده است. تردیدی نیست که اکثر جنگها، کشتار زنان و کودکان،

خشونتها و نا امنی های کنونی برخاسته از انگیزه منفعت پرستی اقتصادی و استیلای سیاسی نظام های قدرتهای سلطه گر است. زیرا زیر ساز «دیدگاههای» سیاسی بسیاری از سیاستمداران بر «حقیقت» و گسترش انسانیت و عدالت مبتنی نبوده، بلکه بر «منفعت» استوار است. اسلام معیار قرار دادن هوای نفس را بت عمده دیگری می داند که مانع شکوفایی ارزشهای انسانی و عدالت اجتماعی می شود. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «آیا ندیده ای کسانی را که خدای خود را تمایلات نفس خویش قرار داده اند؟» (۷) بر همین اساس قرآن کریم پیروی از امیال نفس را سقوط و تزکیه آن را سعادت انسان می داند. (۸)

از نگاه اسلام خرد و اندیشه آدمی در درک صحیح واقعیت ها و عمل به آن هنگامی امکان پذیر خواهد بود که از امیال و اغراض شخصی به دور باشد. در صورت محور قرار دادن تمایلات نفسانی نه تنها نمی توان به واقعیت ها راه یافت بلکه این امر زمینه ساز نهان سازی و تحریف بسیاری از واقعیتها شده و موجب گسترش بی عدالتیها و نابرابریها می گردد.

نتیجه آنکه در بستر جایجایی ابزار قدرت از نیروی جسمانی به اندیشه و محصولات آن و هم چنین در سایه ی تحولات شگرف در حوزه علوم و فن آوری اطلاعات اربابان قدرت ابزار اصلی تثبیت استیلای خود را در بهره کشی از فرآورده های اندیشه و آگاهی های انسان می دانند. بر این اساس آنها با وضع تاکتیکهای نیرنگ آمیز همواره در کنترل و به انحصار در آوردن داناییها تلاش می ورزند و با پنهان سازی و تحریف رخدادها و واقعیت ها در بی حس سازی عناصر فهم آدمی کوشش می کنند. در چنین شرایطی راه حل رهایی جوامع بشری از این بردگی نوین، آشنایی با تحولات نظام توسعه جهانی و آگاهی از تاکتیک های نیرنگ قدرتهای سلطه گر می باشد. به علاوه لزوم آشنایی با معیارهای «خطاسنج» فکری که انسان را در برابر تاکتیکهای تحریف و بی حس سازی اندیشه مصون بدارد، انکار ناپذیر است.

و اینک در ایام عید سعید فطر و پشت سر گذراندن ماه دعوت آفریدگار هستی و پاسخ لیبیک گوینده روزه داران و نیایش گران در گاه لطف و رحمت الهی،